

مطالعه اثر کاربرد بقایای گیاهی و سولفات روی بر عملکرد کمی و کیفی گندم

امیر کدخدایی^{۱*}، محمود کلباسی^۲، محمود صلحی^۳، حبیب‌اله نادیان^۴ و علی غلامی^۵

(۱) دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان، گروه خاکشناسی، خوزستان، ایران.

(۲) استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، گروه خاکشناسی، خوراسگان، ایران.

(۳) عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان، اصفهان، ایران.

(۴) دانشیار دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین، گروه خاکشناسی، خوزستان، ایران.

(۵) استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان، گروه خاکشناسی، خوزستان، ایران.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری است.

* نویسنده مسئول: Amir_kad2005@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۹

چکیده

این پژوهش با هدف مطالعه اثر کاربرد بقایای گیاهی مختلف و سولفات روی در خاک بر قابلیت جذب روی و غلظت این عنصر در دانه گندم و همچنین اثر بر غلظت اسیدفیتیک، نسبت مولی اسیدفیتیک و پروتئین دانه انجام شد. آزمایش در قالب طرح آماری بلوک‌های کامل تصادفی با هشت تیمار (شاهد، سولفات روی، بقایای گیاهی یونجه، لوبیا و گندم و بقایای گیاهی یونجه، لوبیا و گندم همراه با سولفات روی) در سه تکرار در مزرعه‌ای در استان اصفهان، شهرستان دهقان انجام شد. با توجه به مقدار کربن آلی و روی در خاک به تیمارهای مورد نظر کود سولفات روی به مقدار ۶۰ کیلوگرم در هکتار و بقایای گیاهی به مقدار ۱۰ تن در هکتار اضافه شد. پس از آن مقدار ۲۵۰ کیلوگرم در هکتار بذر گندم رایج منطقه (رقم سپاهان) کشت شد. نتایج به‌دست آمده نشان داد که کاربرد سولفات روی در خاک بر عملکرد دانه و غلظت روی دانه معنی‌دار بود. در تیمارهای که بقایای گیاهی به همراه سولفات روی به خاک اضافه شده بود، افزایش معنی‌داری در ویژگی‌های اندازه‌گیری شده نسبت به تیمار شاهد و تیمارهای کاربرد بقایای گیاهی و سولفات روی وجود داشت. در بین بقایای گیاهی گندم، لوبیا و یونجه، بقایای یونجه باعث افزایش بیش‌تر غلظت روی و پروتئین دانه و کاهش بیش‌تر اسیدفیتیک و نسبت مولی اسیدفیتیک به روی در دانه گندم شد. می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که کاربرد عنصر روی همراه با بقایای گیاهی می‌تواند باعث افزایش بیش‌تر غلظت روی و پارامترهای کیفی دانه شود.

واژه‌های کلیدی: روی، گندم، بقایای گیاهی، اسیدفیتیک، پروتئین دانه.

مقدمه

کمبود روی به عنوان یکی از اصلی ترین مشکلات تغذیه ای انسان ها در سطح جهان، به ویژه در کشورهای که زندگی مردم به غلات به عنوان غذای اصلی وابسته است، شایع تر است (Alloway, 2008). برای رفع کمبود روی در گیاه، راهکار های متعددی از جمله تناوب زراعی، افزودن کودهای دامی به خاک، افزودن کودهای شیمیایی حاوی روی و کاربرد بقایای گیاهی در خاک ارائه گردیده است، که هر یک از این روش ها دارای مزایا و معایبی بوده و هر کدام در موارد خاصی مورد استفاده قرار می گیرند. در این میان، غنی سازی زراعی (کاربرد بقایای گیاهی در خاک) روشی بهتر و دارای اثرات جانبی کمتری است، به علاوه برای کشاورزانی که دارای خاک های با غلظت کم روی هستند، قابل پذیرش است. زیرا نه تنها باعث بهبود وضعیت تغذیه ای روی در گیاهان می شود، بلکه باعث افزایش عملکرد و کاهش تلفات جوانه زنی بذر نیز می شود (مجنون حسینی و مظاهری، ۱۳۹۰). حدود ۵۰ تا ۸۰ درصد از روی، مس و منگنز جذب شده توسط گندم و برنج می تواند در نتیجه ترکیب بقایا با خاک، دوباره به خاک برگردانده شوند. بنابراین، برگرداندن بقایای گیاهی می تواند به بهبود قابلیت جذب عناصر کم مصرف در خاک کمک کند (Holmgren *et al.*, 1993). حیدری (۱۳۸۳) گزارش کرد که برگرداندن بقایای گیاهی ذرت به خاک در مقایسه با خارج نمودن آن ها از خاک سبب افزایش ۰/۷۲ درصدی کربن آلی خاک شد. حبیبی (۱۳۸۹) در یک آزمایش گلخانه ای با مطالعه اثر پیش کشت بر پارامترهای کیفی دانه گندم گزارش نمودند که افزودن بقایای گیاهی سبب بیش تر شدن کربن آلی محلول خاک شده که باعث جذب بیش تر روی شاخسار و دانه گندم می شود. در این مطالعه بیش ترین جذب روی شاخسار و دانه گندم بعد از افزودن بقایای شبدر و گلرنگ به خاک به دست آمد. درستکار (۱۳۸۹) در یک آزمایش گلخانه ای با مطالعه اثر بقایای گیاهی بر ویژگی های کیفی دانه گندم گزارش نمودند، بیش ترین اثر در افزایش غلظت روی دانه گندم مربوط به کاربرد بقایای سورگوم و آفتابگردان و کم ترین اثر مربوط به کاربرد بقایای لوبیا و شبدر بود. در خاک های آهکی، اسیدهای آلی تولید شده در حین تجزیه بقایای گیاهی ممکن است باعث افزایش قابلیت جذب روی از طریق خارج کردن روی از فازهای جامد خاک به درون محلول خاک گردد (Singh *et al.*, 2005; Prasad and Sinha, 1982). اضافه کردن مواد آلی و در نتیجه تجزیه آن ها در خاک ممکن است باعث تغییر پ.هاش شود و بنابراین می تواند به طور غیرمستقیم بر حلالیت فلزات اثر گذارد (Arnesen and Singh, 1999). گیاهان در رأس هر زنجیره غذایی قرار دارند، بنابراین جذب کافی عناصر از خاک و انتقال آن ها به قسمت های خوراکی، فواید زیادی برای دام و انسان فراهم می کند. اخیراً ارتباط نزدیکی بین کمبود روی در انسان و سطوح پایین روی در خاک و محصولات گیاهی شناسایی شده است (Cakmak, 2008). از مهم ترین عوامل کمبود روی در انسان، دریافت ناکافی این عنصر از رژیم های غذایی و قابلیت جذب کم این عنصر بر اثر عوامل بازدارنده است (Gibson, 1994). ترکیباتی که در

رژیم‌های غذایی می‌توانند قابلیت جذب روی را تغییر دهند می‌توان به اسیدفیتیک، پلی‌فنلها، اسیدازگزالیک، کلسیم، اسید های آلی با وزن ملکولی کم، پروتئین‌ها و سایر عناصر کم‌مصرف اشاره نمود. از میان این عوامل، اسیدفیتیک، اسید اگزالیک، پلی‌فنل‌ها، کلسیم و سایر عناصر کم‌مصرف قابلیت جذب روی را کاهش می‌دهند یعنی به نوعی نقش بازدارنده در جذب روی دارند. ولی پروتئین‌ها و اسیدهای آلی با وزن ملکولی کم، نقش تقویت کننده در جذب روی دارند یا باعث افزایش جذب روی می‌گردند (House, 1999 ; Lonnerdal, 2000). مقدار اسیدفیتیک دانه، یکی از عوامل تعیین کننده قابلیت جذب عناصر کم مصرف مانند روی و آهن برای انسان است. به همین دلیل برای مصرف کنندگان غلات، علاوه بر غلظت عناصر کم مصرف مانند روی و آهن، مقدار اسیدفیتیک دانه نیز حائز اهمیت است (ملکوتی و همکاران، ۱۳۸۷). در سال‌های اخیر عمده تحقیقات بیش تر بر اساس اضافه کردن مقادیر مختلف کودهای شیمیایی حاوی روی به خاک بوده و بیش تر آزمایش‌ها این تحقیقات بر اندازه گیری غلظت روی در خاک و گیاه متمرکز بوده است. ولی به کاربرد بقایای گیاهی مختلف در خاک و اثر این بقایا بر ویژگی‌های کمی و کیفی گیاه توجه زیادی نشده است. در این پژوهش، اثر بقایای گیاهی مختلف بر غنی سازی عنصر روی و همچنین غلظت اسیدفیتیک و پروتئین دانه مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش‌ها

این پژوهش در قالب طرح آماری بلوک‌های کامل تصادفی با هشت تیمار (شاهد، سولفات روی، بقایای گیاهی یونجه، لوبیا و گندم و بقایای گیاهی یونجه، لوبیا و گندم همراه سولفات روی) در سه تکرار در مزرعه‌ای در استان اصفهان (شهرستان دهقان)، که در ارتفاع ۲۰۵۹ متر از سطح دریا و با موقعیت جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه طولی و ۳۱ درجه و ۵۶ دقیقه عرضی انجام شد. برای انجام این آزمایش، قطعه زمینی به ابعاد ۱۰ متر عرض و ۲۷ متر طول انتخاب و به ۲۴ کرت با ابعاد $3 \times 3/5$ متر تقسیم شد. سپس زمین مورد آزمایش به عمق ۳۰ سانتی‌متر شخم زده شد و پس از انجام تجزیه خاک (جدول ۱) و توصیه کودی مؤسسه تحقیقات خاک و آب، کودهای سوپرفسفات تریپل ۱۵۰ کیلوگرم و سولفات پتاسیم ۱۰۰ کیلوگرم در هکتار قبل از کشت و همچنین اوره طی دو مرحله (پنجه زنی و به ساقه رفتن)، هر مرحله به مقدار ۱۰۰ کیلوگرم در هکتار به همه تیمارها به‌طور یکسان اضافه شد (ملکوتی و نفیسی، ۱۳۷۳). سپس به تیمارهای مورد نظر کود سولفات روی به مقدار ۶۰ کیلوگرم در هکتار و بقایای گیاهی گندم، لوبیا و یونجه به مقدار ۱۰ تن در هکتار بر اساس میانگین شاخص برداشت این گیاهان و گزارش‌ها سازمان جهاد کشاورزی استان اصفهان اضافه گردید (ملکوتی و نفیسی، ۱۳۷۳). ملاک انتخاب بقایای گیاهی میزان متفاوت درصد پروتئین آن‌ها، کشت رایج آن‌ها در بیش تر استان‌ها به ویژه استان اصفهان و فراوانی و قابل دسترس بودن آن‌ها بود (جدول ۲). پس از آماده‌سازی تیمارها (اضافه کردن بقایای گیاهی به خاک و مخلوط کردن آن‌ها تا عمق ۳۰ سانتی‌متری خاک)، در هر تیمار مقدار ۲۵۰ گرم بذر گندم (۲۵۰

کیلوگرم در هکتار) رقم سپاهان کشت شد. در طول دوره رشد گیاه، مراقبت‌های زراعی لازم نظیر آبیاری به‌صورت کرتی و مبارزه با علف‌های هرز به‌صورت مکانیکی و شیمیایی (استفاده از علف‌کش توفوردی) انجام گردید. نمونه‌های گیاه گندم در زمان برداشت از سطح خاک کف‌بر شدند. سپس نمونه‌های هر تیمار به‌طور جداگانه جمع‌آوری و عملکرد کاه و کلش و عملکرد دانه اندازه‌گیری شد. پس از آن به‌صورت تصادفی چند نمونه از آن‌ها برای انجام آزمایش‌ها در دمای ۶۵ درجه سلسیوس به مدت ۴۸ ساعت خشک شدند. غلظت روی در ریشه، شاخسار و دانه توسط دستگاه جذب اتمی پرکین المر مدل ۳۰۳۰ تعیین شد (Chapman and Pratt, 1961). برای اندازه‌گیری میزان پروتئین دانه، غلظت نیتروژن توسط دستگاه کج‌دال قرائت شد و با استفاده از ضریب ۶/۲۵ مقدار نیتروژن دانه گندم به مقدار پروتئین تبدیل گردید (Keeney and Nelson, 1982). برای اندازه‌گیری میزان اسیدفیتیک در دانه، برای اندازه‌گیری میزان جذب روی و نسبت مولی اسیدفیتیک به روی از روابط زیر استفاده شد (Makower, 1970):

رابطه ۱: میزان جذب روی (گرم در هکتار) برابر است با: غلظت روی در شاخسار (گرم بر کیلوگرم) × عملکرد شاخسار (کیلوگرم در هکتار) + غلظت روی در دانه (گرم بر کیلوگرم) × عملکرد دانه (کیلوگرم در هکتار).

رابطه ۲: نسبت مولی اسیدفیتیک به روی برابر است با: (غلظت اسیدفیتیک (میلی گرم) / ۶۶۰) / (غلظت اسید فیتیک (میلی گرم / ۶۵/۴).

محاسبه‌های آماری مورد نیاز از داده‌های به‌دست آمده توسط نرم‌افزار SAS و مقایسه میانگین تیمارها با استفاده از آزمون دانکن انجام شد (SAS Institute, 2003).

جدول ۲: نتایج تجزیه بقایای گیاهی مورد آزمایش

مقدار			واحد	تجزیه بقایای گیاهی
کاه لوبیا	کاه یونجه	کاه گندم		
۵/۷	۵/۷	۵/۸	-	پ- هاش
۴/۱	۵	۷/۵	دسی‌زیمنس بر متر	هدایت الکتریکی
۰/۶	۱/۷	۲/۷	درصد	نیتروژن
۳/۸	۱۰/۷	۱۷	درصد	پروتئین
۲۲/۷	۱۵/۴	۱۳/۴	درصد	C/N
۰/۰۷	۰/۱۹	۰/۱۸	درصد	فسفر
۱/۳۸	۱/۲	۱/۴۳	درصد	پتاسیم
۲۰۰	۲۷۰	۷۶۵	میلی گرم بر کیلوگرم	آهن
۴	۱۰	۲۰	میلی گرم بر کیلوگرم	روی
۲۷	۴۰	۴۰	میلی گرم بر کیلوگرم	منگنز
۱۳	۴۰	۸	میلی گرم بر کیلوگرم	مس

جدول ۱: نتایج تجزیه خاک مورد آزمایش

پارامتر اندازه‌گیری شده	واحد	مقدار
پ- هاش	-	۷/۴
هدایت الکتریکی	دسی‌زیمنس بر متر	۱/۱
کربن آلی	درصد	۰/۶۲
آهک	درصد	۳۵
بافت	-	Clayloam
فسفر قابل دسترس	میلی گرم بر کیلوگرم	۹
پتاسیم قابل دسترس	میلی گرم بر کیلوگرم	۲۳۵
آهن قابل دسترس	میلی گرم بر کیلوگرم	۴/۸
روی قابل دسترس	میلی گرم بر کیلوگرم	۰/۳
مس قابل دسترس	میلی گرم بر کیلوگرم	۰/۸۵
منگنز قابل دسترس	میلی گرم بر کیلوگرم	۸/۵

نتایج و بحث

عملکرد کاه و کلش و دانه گندم

نتایج تجزیه واریانس جدول ۳ نشان داد که در تیمارهای که بقایای گیاهی به خاک اضافه شده بود، افزایش معنی‌دار عملکرد کاه و کلش و دانه نسبت به شاهد در سطح احتمال یک درصد وجود داشت. کاربرد بقایای گیاهی در خاک باعث افزایش معنی‌دار وزن کاه و کلش گندم شد. در بین بقایای گیاهی، کاربرد بقایای یونجه بیش‌ترین اثر و کاربرد بقایای گندم کم‌ترین اثر را بر وزن کاه و کلش گندم داشت. به‌طوری‌که کاربرد بقایای یونجه حدود دو برابر و کاربرد بقایای لوبیا حدود ۱/۵ برابر عملکرد کاه گندم را نسبت به شاهد افزایش دادند (جدول ۴). به نظر می‌رسد که بقایای یونجه با اثر بیش‌تر بر ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی خاک و افزودن مقدار بیش‌تر نیتروژن به خاک و C/N کم‌تر آن باعث افزایش بیش‌تر وزن شاخسار گندم شده است. بقایای گیاهی با افزایش ماده آلی خاک، بهبود رشد ریشه و افزایش قابلیت جذب عناصر کم نیاز و پر نیاز خاک سبب افزایش عملکرد در گیاهان می‌شوند (Alberta, 1995). همچنین نتایج مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که اثر بقایای گیاهی بر عملکرد گیاه، بسته به شرایط محیطی و کیفیت بقایا متفاوت است (Khoshgoftarmanesh *et al.*, 2010). نتایج نشان داد که عملکرد دانه گندم با کاربرد بقایای گیاهی و سولفات‌روی در خاک، افزایش معنی‌داری یافت. به‌طوری‌که کاربرد بقایای یونجه و لوبیا باعث افزایش ۲۱ درصدی عملکرد دانه نسبت به شاهد شد، ولی بقایای گندم اثر کم‌تری داشت و عملکرد دانه گندم را ۷ درصد افزایش داد. کاربرد سولفات‌روی در خاک، باعث افزایش ۱۱ درصدی عملکرد دانه نسبت به شاهد شد. همچنین کاربرد بقایای گیاهی یونجه، لوبیا و گندم همراه با سولفات‌روی، عملکرد دانه گندم را به ترتیب به مقدار ۴۲، ۳۵، ۱۴ درصد نسبت به شاهد افزایش داد (جدول ۴). Chacmak و همکاران (۱۹۹۷) با مصرف ۲۳ کیلوگرم کود حاوی روی مشاهده کردند که عملکرد دانه گندم به‌طور معنی‌داری افزایش می‌یابد.

جدول ۳: تجزیه واریانس کاربرد بقایای گیاهی و سولفات‌روی بر عملکرد و غلظت روی گندم

منابع تغییرات	میانگین مربعات			
	عملکرد کاه و کلش	عملکرد دانه	غلظت روی ریشه	غلظت روی ساقه
بلوک	۰/۰۰۱۲۵	۰/۰۰۵۰	۵۱/۵۰	۳۱/۵۴۰
تیمار	۱/۳۲۳**	۰/۴۸۸۰**	۸۱/۱۸*	۲۲/۶۶ ^{ns}
خطای آزمایش	۰/۰۱۱	۰/۱۰۷۱	۵۹/۸۸۰	۱۰/۶۸۴
تکرار	۲۵/۹۴۶			

ns، * و **: به ترتیب بیانگر عدم اختلاف معنی‌دار و اختلاف معنی‌دار در سطوح احتمال پنج و یک درصد می‌باشند.

غلظت عنصر روی در گندم

کاربرد بقایای گیاهی و سولفات‌روی بر غلظت روی ریشه و دانه در سطح احتمال پنج درصد معنی‌دار بود، ولی بر غلظت روی ساقه معنی‌دار نبود (جدول ۳). افزودن بقایای گیاهی به خاک، باعث افزایش غلظت روی ریشه، ساقه و دانه

گندم شد. ولی این افزایش تنها در تیمارهای بقایای گیاهی به همراه سولفات روی معنی دار بود. کاربرد سولفات روی در خاک چه به صورت تنها و چه همراه بقایای گیاهی در خاک، باعث افزایش معنی دار غلظت روی ریشه، ساقه و دانه گندم شد (شکل ۱). غلظت روی در دانه گندم در تیمارهای بقایای گیاهی مختلف، متفاوت بود و بیشترین افزایش در تیمار بقایای گیاهی یونجه اندازه گیری شد. نتایج تحقیقات نشان داده است که اسیدهای آلی از تجزیه بقایای گیاهی یونجه نقش کمپلکس کردن روی و جذب آن توسط ریشه گیاه و انتقال بیش تر آن از ریشه به دانه دارد (Singh *et al.*, 2005). کاربرد سولفات روی همراه با بقایای گیاهی باعث افزایش بیش تر غلظت روی دانه گندم نسبت به تیمار سولفات روی شد. به نظر می رسد روی کلات شده با بقایای گیاهی، نقش مؤثرتری در جذب روی توسط گیاه دارد. تحقیقات دیگر نشان داده است، غلظت فلزات مس و روی در دانه گندم با به کار بردن مواد آلی در خاک، صرف نظر از نوع ماده آلی، افزایش یافت. این افزایش می تواند دلالت بر این داشته باشد که وقتی فلزات توسط ریشه جذب شدند، به راحتی از ساقه به دانه انتقال داده می شوند (Narwal and Singh, 1998). حبیبی (۱۳۸۹) در یک آزمایش گلخانه ای گزارش نمود که افزودن بقایای گیاهی به خاک، سبب افزایش کربن آلی محلول خاک شده و در نتیجه باعث جذب بیش تر عنصر روی به وسیله شاخسار و دانه گندم می شود. در این مطالعه بین بقایای گیاهی مختلف، بیش ترین جذب عنصر روی توسط شاخسار و دانه گندم بعد از افزودن بقایای شبدر و گلرنگ به خاک به دست آمد.

جدول ۴: اثر کاربرد بقایای گیاهی و سولفات روی بر عملکرد کاه و کلش و دانه گندم

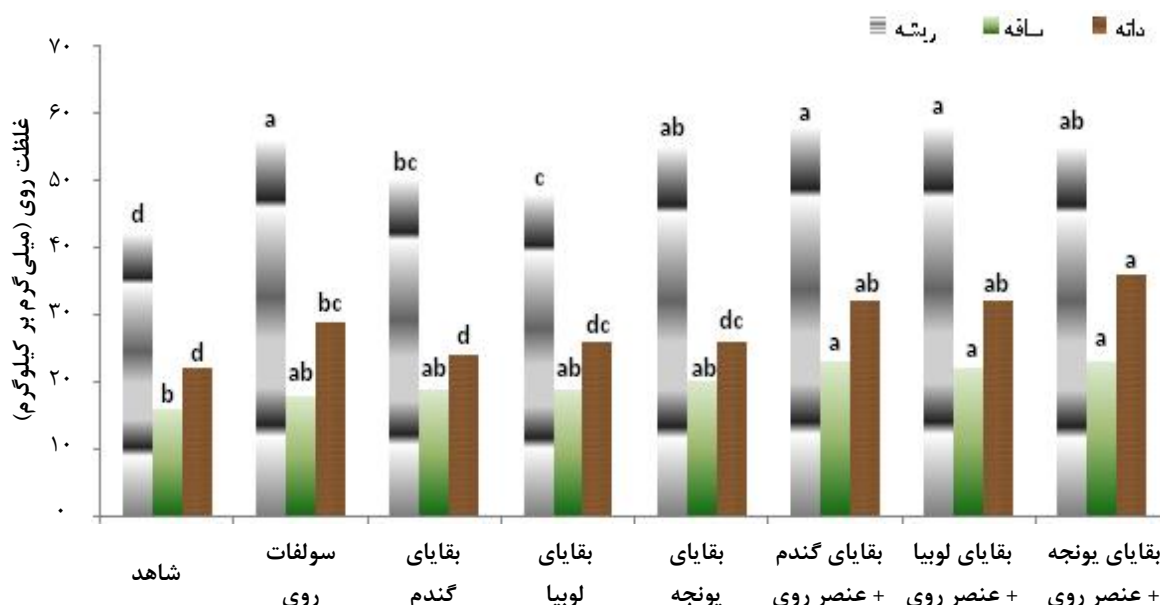
تیمارها	عملکرد کاه و کلش (تن در هکتار)	عملکرد دانه (تن در هکتار)
شاهد	۳/۸d	۲/۸f
سولفات روی	۳/۸۶d	۳/۱de
کاه گندم	۴/۲c	۳e
کاه لوبیا	۴/۸۷b	۳/۴c
کاه یونجه	۵/۴a	۳/۴c
کاه گندم + سولفات روی	۴/۱۵c	۳/۲d
کاه لوبیا + سولفات روی	۴/۷b	۳/۸b
کاه یونجه + سولفات روی	۵/۶a	۴a

حروف مشابه در هر ستون به منزله عدم وجود اختلاف معنی دار بر اساس آزمون چند دامنه ای دانکن در سطح احتمال پنج درصد می باشد.

جذب عنصر روی در گندم

نتایج تجزیه واریانس جدول ۵ نشان داد کاربرد بقایای گیاهی و سولفات روی بر میزان جذب روی در سطح احتمال پنج درصد معنی دار بود. کاربرد بقایای گیاهی با سولفات روی، باعث افزایش بیش تر جذب روی نسبت به کاربرد بقایای گیاهی تنها شد. در بین بقایای گیاهی، بیش ترین افزایش جذب روی در تیمار بقایای یونجه به دست آمد (جدول ۶). می توان گفت که بقایای یونجه به دلیل تجزیه پذیری و کلاته کنندگی بیش تر روی، باعث جذب بیش تر روی در گندم شده است. علاوه بر

آن، بقایای گیاهی به دلیل اثرات مثبتی که بر پراکنش ریشه، رشد گیاه و ... دارند، می‌تواند بر جذب روی توسط گیاه اثرگذار باشد (Alberta, 1995).



شکل ۱: اثر کاربرد بقایای گیاهی و سولفات روی بر غلظت روی ریشه، ساقه و دانه گندم

حروف مشابه در هر ستون به منزله عدم وجود اختلاف معنی‌دار بر اساس آزمون چند دامنه‌ای دانکن در سطح احتمال پنج درصد می‌باشد.

جدول ۵: تجزیه واریانس کاربرد بقایای گیاهی و سولفات روی بر ویژگی‌های گندم

منابع تغییرات	مقدار				پروتئین دانه
	جذب روی	غلظت روی اندام هوایی به ریشه	اسیدفیتیک دانه	نسبت مولی اسیدفیتیک به روی	
بلوک	۳۱/۵۴	۰/۰۰۰۰۸	۰/۰۰۲۵	۱۱/۰۴	۰/۳۸
تیمار	۶۵۹۰/۳۸**	۰/۰۰۲**	۴/۱	۴۰/۱۲**	۴/۵۳**
خطای آزمایش	۴۶/۸۲	۰/۰۰۰۵	۰/۰۱۹	۴/۰۰۱	۰/۲۴

ns, * و **: به ترتیب بیانگر عدم اختلاف معنی‌دار و اختلاف معنی‌دار در سطوح احتمال پنج و یک درصد می‌باشند.

جدول ۶: اثر کاربرد بقایای گیاهی و سولفات روی بر جذب عنصر روی در گندم

تیمارها	جذب عنصر روی (گرم در هکتار)	نسبت غلظت روی در اندام هوایی به ریشه
شاهد	۱۲۲f	۰/۴۳bc
سولفات روی	۱۶۰e	۰/۴۲c
کاه گندم	۱۵۱e	۰/۴۳bc
کاه لوبیا	۱۷۹d	۰/۴۷b
کاه یونجه	۱۹۶c	۰/۴۴bc
کاه گندم + عنصر روی	۱۹۹c	۰/۴۷b
کاه لوبیا + عنصر روی	۲۲۵b	۰/۴۷b
کاه یونجه + عنصر روی	۲۷۲a	۰/۵۲a

حروف مشابه در هر ستون به منزله عدم وجود اختلاف معنی‌دار بر اساس آزمون چند دامنه‌ای دانکن در سطح احتمال پنج درصد می‌باشد.

غلظت روی در اندام هوایی به ریشه گندم

اثر بقایای گیاهی و سولفات روی بر غلظت روی در اندام هوایی به ریشه در سطح احتمال یک درصد معنی دار بود (جدول ۵). کاربرد بقایای گیاهی و سولفات روی در خاک، باعث افزایش غلظت روی در اندام هوایی به ریشه شد، اما تفاوت معنی داری با شاهد نداشت. در بین تیمارها، فقط تیمار بقایای یونجه به همراه سولفات روی باعث افزایش معنی دار غلظت روی در اندام هوایی به ریشه شد (جدول ۶). احتمالاً می توان به تجزیه پذیری و کلاته کنندگی بیش تر بقایای یونجه اشاره کرد. تحقیقات نشان داده است که مواد حاصل از تجزیه بقایای گیاهی می تواند بر انتقال و توزیع روی اثر داشته و این اثر بسته به نوع بقایا و وزن مولکولی ترکیبات تولیدی هنگام تجزیه متفاوت می باشد (Navrot *et al.*, 1967). همچنین در مورد اثر مواد کلات کننده مانند EDTA و DTPA در انتقال روی از ریشه به سمت اندام هوایی پژوهش های فراوانی شده است که بیش تر این پژوهش ها، مواد کلات کننده را باعث افزایش انتقال روی از ریشه به اندام هوایی می دانند (Navrot *et al.*, 1967).

اسیدفیتیک دانه گندم

مقدار اسیدفیتیک دانه، یکی از عوامل تعیین کننده قابلیت جذب عناصر کم مصرف مانند روی و آهن برای انسان است (Maga, 1982). کاربرد بقایای گیاهی و سولفات روی در خاک بر غلظت اسیدفیتیک دانه در سطح احتمال پنج درصد معنی دار بود (جدول ۵). در بین تیمارها، تیمار بقایای یونجه با و بدون سولفات روی و بقایای لوبیا با سولفات روی باعث کاهش معنی دار اسیدفیتیک دانه گندم نسبت به تیمار شاهد (بدون بقایا) شد. کاربرد سولفات روی در خاک باعث کاهش جزئی اسیدفیتیک دانه گندم شد ولی با شاهد اختلاف معنی داری نداشت (جدول ۷). درستکار (۱۳۸۹) در یک آزمایش گلخانه ای با مطالعه اثر کاربرد بقایای گیاهی در خاک عنوان نمودند که افزودن بقایای گیاهی به خاک، باعث کاهش معنی دار اسیدفیتیک دانه گندم نسبت به تیمار شاهد (بدون بقایا) شد.

جدول ۷: اثر کاربرد بقایای گیاهی و سولفات روی بر غلظت اسیدفیتیک و نسبت مولی اسیدفیتیک در دانه گندم

تیمارها	اسیدفیتیک (درصد)	نسبت مولی اسیدفیتیک به روی
شاهد	۰/۶۸ a	۲۵ a
سولفات روی	۰/۶۲ ab	۱۹ bc
کاه گندم	۰/۷۰ a	۲۴/۶ a
کاه لوبیا	۰/۶۰ ab	۲۰/۲ b
کاه یونجه	۰/۵۸ b	۱۹ bc
کاه گندم + عنصر روی	۰/۶۹ a	۱۹ bc
کاه لوبیا + عنصر روی	۰/۵۸ b	۱۶ cd
کاه یونجه + عنصر روی	۰/۵۸ b	۱۴/۵ d

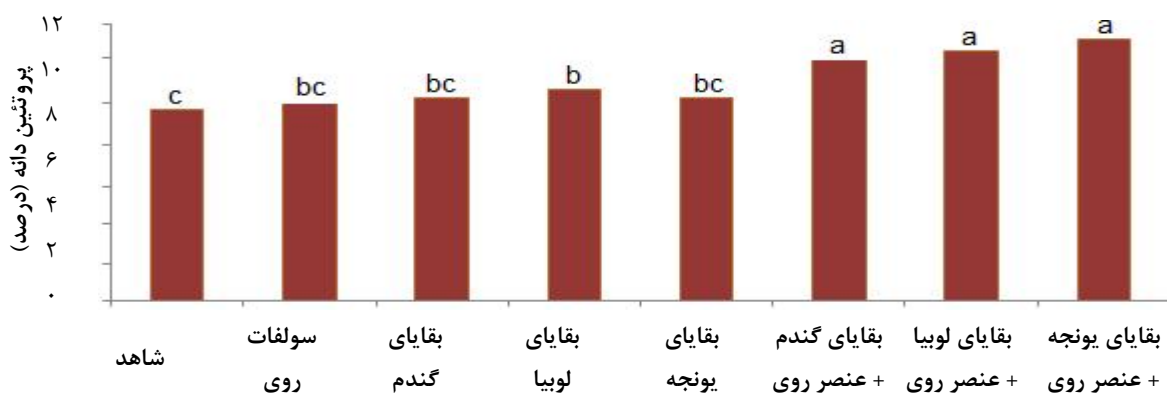
حروف مشابه در هر ستون به منزله عدم وجود اختلاف معنی دار بر اساس آزمون چند دامنه ای دانکن در سطح احتمال پنج درصد می باشد.

نسبت مولی اسیدفیتیک به روی در دانه گندم

نسبت مولی اسیدفیتیک به روی در بخش‌های خوراکی گیاهان، به‌عنوان شاخصی مناسب از قابلیت جذب روی برای مصرف کنندگان شناخته می‌شود. چنانچه مقدار این شاخص در هر ماده غذایی کم‌تر باشد بیش‌تر عناصر معدنی موجود در آن ماده غذایی در سیستم گوارشی بدن قابل جذب خواهد بود (Boscher *et al.*, 2001). نتایج تجزیه واریانس جدول ۵ نشان داد که کاربرد بقایای گیاهی بر نسبت مولی اسیدفیتیک به روی دانه در سطح احتمال یک درصد معنی‌دار بود. به گونه‌ای که اختلاط بقایای گیاهی یونجه و لوبیا با خاک سبب کاهش معنی‌دار نسبت مولی اسیدفیتیک به روی در دانه گندم در مقایسه با شاهد (بدون بقایا) شد (جدول ۷). از نتایج دیگر تحقیق می‌توان به افزودن بقایای یونجه + عنصر روی به خاک اشاره کرد که می‌تواند به شدت این نسبت مولی را کاهش دهد. به نظر می‌رسد که افزودن عنصر روی همراه با بقایای گیاهی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش نسبت مولی اسیدفیتیک به روی در دانه داشته باشد.

پروتئین دانه گندم

اثر کاربرد بقایای گیاهی بر پروتئین دانه در سطح احتمال یک درصد معنی‌دار بود (جدول ۵). افزودن بقایای گیاهی به خاک سبب افزایش پروتئین دانه در همه تیمارها در مقایسه با تیمار شاهد (بدون بقایا) شد. ولی این افزایش فقط در تیمارهای بقایای لوبیا با و بدون سولفات روی و بقایای گندم و یونجه به همراه سولفات روی معنی‌دار بود. هم‌چنین در تیمارهای که سولفات روی اضافه شده بود، پروتئین دانه افزایش یافت ولی این افزایش به اندازه کاربرد بقایای گیاهی در خاک نبود و تفاوت معنی‌داری نیز با شاهد نداشت (شکل ۲). Marschner (۱۹۹۳) معتقد است افزایش روی در خاک، علاوه بر افزایش عملکرد گیاه، با بالا بردن پروتئین و غلظت روی در دانه می‌تواند در رفع کمبود روی در انسان مؤثر واقع شود. هم‌چنین Lopez-Bellido و همکارانش (۲۰۰۱) نیز نشان دادند که تناوب گندم با سایر گیاهان به‌ویژه بقولات به دلیل افزایش نیتروژن در خاک می‌تواند باعث افزایش پروتئین دانه گندم شود.



شکل ۲: اثر کاربرد بقایای گیاهی و سولفات روی بر غلظت پروتئین دانه گندم

حروف مشابه در هر ستون به منزله عدم وجود اختلاف معنی‌دار بر اساس آزمون چند دامنه‌ای دانکن در سطح احتمال پنج درصد می‌باشد.

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که اگرچه کاربرد سولفات روی در خاک می تواند باعث افزایش بیش تر غلظت عنصر روی در گیاه نسبت به بقایای گیاهی شود. ولی بقایای گیاهی با اثر بیش تر بر کاهش اسیدفیتیک دانه، کاهش نسبت مولی آن و افزایش پروتئین دانه می تواند قابلیت جذب روی دانه گندم را بیش تر کند. هم چنین کاربرد بقایای گیاهی لوبیا و یونجه به همراه سولفات روی باعث افزایش بیش تر جذب روی و غلظت روی در اندام هوایی به ریشه نسبت به کاربرد سولفات روی تنها شد. می توان بیان کرد که بقایای گیاهی لوبیا و یونجه با کلات کنندگی بیش تر عنصر روی می تواند باعث افزایش بیش تر انتقال روی از ریشه به اندام هوایی شود. در اکثر نتایج به دست آمده از این تحقیق، کاربرد سولفات روی همراه با بقایای گیاهی توانست اثر بهتری بر جذب روی توسط گیاه داشته باشد. در بین بقایای گیاهی مورد آزمایش، بقایای گیاهی یونجه به دلیل تجزیه پذیری بیش تر، کلات کنندگی قوی تر و نسبت C/N پایین تر توانست اثر بیش تری بر غلظت روی گیاه و پارامترهای کیفی دانه داشته باشد.

منابع

- حبیبی، ه. ۱۳۸۹. تأثیر پیش کشت بر برخی ویژگی های شیمیایی خاک و رشد، عملکرد و غلظت روی در دانه گندم. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان. ۱۴۰ ص.
- حیدری، ا. ۱۳۸۳. تأثیر مدیریت بقایای گیاهی و عمق شخم بر عملکرد گندم و ماده آلی خاک در تناوب ذرت دانه ای - گندم آبی. مجله تحقیقات مهندسی کشاورزی. ۱۹: ۹۴-۸۱.
- درستکار، و. ۱۳۸۹. تأثیر بقایای گیاهان زراعی و بیش انباشتگر بر قابلیت جذب روی در خاک و غلظت آن در دانه گندم. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان. ۱۳۰ ص.
- ملکوتی، م. ج.، کشاورز، پ. و کریمیان، ن. ۱۳۸۷. روش جامع تشخیص و توصیه بهینه کود برای کشاورزی پایدار. چاپ هفتم. انتشارات دانشگاه تربیت مدرس تهران. ۷۵۵ ص.
- مجنون حسینی، ن. و مظاهری، د. ۱۳۹۰. مبانی زراعت عمومی. چاپ هشتم. انتشارات دانشگاه تهران. ۳۲۰ ص.
- ملکوتی، م. ج. و نفیسی، م. ۱۳۷۳. مصرف کود در اراضی فاریاب و دیم (ترجمه)، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس. ۲۴۲ ص.

Alloway, B. J. 2008. Zinc in Soils and Crop Nutrition. Second edition, published by IZA and IFA, Brussels, Belgium and Paris, France.

Alberta, E. 1995. Stubble Burning. Columbia Basin Agricultural Research, Annual Report. pp. 105-109.

Arnesen, A.K.M., and Singh, B.R. 1999. Plant uptake and DTPA-extractability of Cd, Cu, Ni and Zn in a Norwegian alum shale soil as affected by previous addition of dairy and pig manures and peat. *Journal of Soil Sciences* 210: 531-539.

Boscher, D., Z. Lu., Janssens, G. Van Caillie- Bertrand, M., Rubberiest, H., De. H. and Rycke, H. 2001. *In: vitro* availability of zinc from infant foods with increasing phytic acid contents. *British Journal of Nutrition* 86: 241-247.

Cakmak, I. 2008. Enrichment of cereal grains with zinc: Agronomic or genetic biofortification? *Plant and Soil* 302: 1-17.

Chacmak, I., Ekis, H., Yilmaz, A., Tourn, B., Kolei, N. and Gultekin, A. 1997. Differential response of rye, triticale, bread and durum wheats to zinc deficiency in calcareous soils. *Plant and Soil* 188:1-10.

Chapman, H.D. and Pratt, P.F. 1961. *Methods of analysis for soils, plants and waters*, University of California., Division of Agricultural Sciences., Riverside, CA.

Gibson, R.S. 1994. Zinc nutrition in developing countries. *Nutrition Research Reviews* 7: 151-173.

Holmgren, C.G. S., Meyer, M.W., Chaney, R.L. and Daniels, R.B. 1993. Cadmium, lead, zinc, copper and nickel in agricultural soils in the United States. *Journal of Environmental Quality* 22: 335-348.

House, W.A. 1999. Trace element bioavailability as exemplified by iron and zinc. *Field Crops Research* 60: 115-141.

Keeney, D.R. and D.W. Nelson. 1982. Nitrogen in organic forms. PP. 643-698. *In: A. L. Page, R. H. Miller and D. R. Keeney (Eds.), Method of soil analysis. Part II.*

Khoshgoftarmanesh, A.H., Schulin, R., Chaney, R.L., Daneshbakhsh, B. and Afyuni, M. 2010. Micronutrientefficient genotypes for crop yield and nutritional quality in sustainable agriculture. *A review Agronomy for Sustainable Development* 30: 83-107.

Lonnerdal, B. 2000. Dietary factors influencing zinc absorption. *Journal of Nutrition* 130: 1378-1383.

Lopez-Bellido, L., Rafael, J., Castillo, J.E. and Lopez-Bellido, F.J. 2001. Effect of long term tillage, crop rotation and nitrogen fertilization and bread making quality of hard red spring wheat. *Field Crops Research* 72: 197-210.

Maga, J. 1982. Phytate: Its chemistry, occurrence, food interaction, nutritional significance and methods of analysis. *Journal of Agricultural and Food Chemistry* 30 (1): 1-9.

Makower, R.U. 1970. Extraction and determination of phytic acid in beans. *Cereal Chemistry Journal* 47: 288.

Marschner, H. 1993. *Mineral nutrition of hisher plants*. 2nd ed. Academic. Press public.

Narwal, R.P. and Singh, B.R. 1998. Effect of organic materials on partitioning, extractability and plant uptake of metals in an alum shale soil. *Water Air Soil Pollution* 103: 405-421

Navrot, J., Jacoby, B. and Ravikovitch, S. 1967. Fixation of Zn⁶⁵ in some calcareous soils and its availability to tomato plants, *Plant and Soil* 27:141-147.

Prasad, B. and Sinha, P. 1982. Change in the status of micronutrients in soil with long term application of chemical fertilizers, lime and manure. *Plant and Soil* 64: 437-441.

SAS Institute. 2003. SAS/STAT user's guide. SAS Institute Incorporation Cary.

Singh. G., Natesan, S.K.A., Singh, B.K. and Usha, K. 2005. Improving Zinc efficiency of cereals under zinc deficiency. *Current Science* 88: 36-44.